



بررسی تطبیقی مقابله با ناآرامی های اجتماعی در ایران و انگلستان

علیرضا مدنی^۱

چکیده

ناآرامی های اجتماعی یکی از چالش های مهم هر کشور است. موضوع یاد شده از اوایل قرن بیستم مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. اما در کشور ما از سال های گذشته به جز چند مورد محدود، توجه چندانی به موضوع و بررسی علمی اعتراضات و ناآرامی ها و خشونت های اجتماعی نشده است. این پژوهش بر آن است تا نحوه ی مقابله با این ناآرامی ها را در دو کشور انگلستان و ایران مقایسه کند. این روش برای مقایسه نظام های اجتماعی کل با هم و یافتن تشابهات و اختلافات جوامع در دراز مدت و تحولات اجتماعی مناسب است. بدین منظور داده های این پژوهش از کتاب های موضوعی، اسناد و مقالات است. مطالعه تحولات اجتماعی ۲۰۰۹ در ایران و ۲۰۱۲ در انگلستان نشان می دهد جنبش های اجتماعی جدید تلاش می کنند از روش های مختلف به خصوص شبکه های مجازی در راستای چیرگی بر کنترل اجتماعی، الگوی فرهنگی، سازمان یابی جنبش های اجتماعی و گسترش اعتراض های مدنی بهره ببرند.

کلمات کلیدی: ایران، انگلستان، اعتراض، جنبش های اجتماعی جدید، کنترل اجتماعی، ناآرامی های اجتماعی





بحرانهای اجتماعی خطرهایی هستند که تعادل، امنیت و سلامت اجتماعی را به طور جدی تهدید می کنند اما هم ماهیت و هم منشا اجتماعی دارند و به صورت تعارض های اجتماعی، ناآرامی ها، فشارهای بر هم زننده سیاسی، شورش ها و اعتصاب های بی مهار برای درخواست های اقتصادی و همانند آنها ظاهر می شوند. ممکن است این شورش ها حاد یا مزمن، تناوبی یا پیوسته، ژرف یا گسترده، محلی و منطقه ای یا ملی، غافلگیر کننده یا تا حدی قابل پیش بینی و از حیث اجتماعی پرهزینه یا کم هزینه باشد. امروزه شورشها و خشونت های داخلی یکی از معضل ها و دغدغه های اصلی جوامع بشری میباشد و بسیاری از دولت ها در طول تاریخ خود همواره با شورش ها و ناآرامی های داخلی روبرو بوده اند. در بسیاری از موارد، این وضعیت ها آنچنان جدی بوده که از رهگذر آن، حاکمیت و منافع ملی حیاتی آن دولت ها در معرض خطر و تهدید قرار گرفته است. دولت ها نیز با توجه به در خطر افتادن منافع ملی حیاتی و حیات و موجودیت خود برای مقابله با چنین وضعیت هایی از الگوی امنیتی کردن استفاده می کنند. از این رو با گستراندن ابعاد امنیت این خطر وجود خواهد داشت که در شرایط اضطراری موضوعات و اهداف امنیتی خود را بطور گسترده تعریف و از آن بهره برداری نمایند. آنها عموماً در سطحی گسترده به طرق خشونت آمیز با توسل به زور و سایر تدابیر سرکوب کننده (نیروهای پلیس و نیروهای مسلح) برای حفظ یا اعاده نظم و امنیت عمومی به مقابله و سرکوب شورشیان و اغتشاش گران می پردازند. این امر به اقتضای ضرورت های اجتماعی و سیاسی برای بازگرداندن نظم و امنیت عمومی و در چارچوب حاکمیت دولت ها صورت می گیرد. لذا هدف از پژوهش حاضر بررسی مقابله با ناآرامی های اجتماعی در ایران و مقایسه آن با مقابله ای که در کشور انگلستان انجام می گیرد است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

روند ناآرامی های اجتماعی از هر نوعی که باشد، سبب ایجاد اختلال در چرخه تولید و تداوم آموزش در مراکز علمی شده و این آشفتگی، منجر به اختلال در اعمال مدیریت در بین نخبگان سیاسی و مدیران دولتی و غیر دولتی و از بین رفتن اعتماد سرمایه گذاران داخلی و خارجی به امر مهم سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی کشور و در نهایت فقدان اعتماد عمومی مردم به دولت می شود که خود، مقدمه و منشا بروز بسیاری از قانون گریزی ها، ناامنی ها و تجاوزات گوناگون به حقوق مردم خواهد





شد. ناآرامی های اجتماعی در نخستین گام با ایجاد هویت فردی و اجتماعی جدید و بازسازی معنایی رفتارهای خود، مطالبات سیاسی و نمایندگی سیاسی یا سیاست های سازمانی و نهادی را دنبال می کنند. اهمیت این مساله در آن است که ناآرامی های اجتماعی در غیاب دستاوردهای سیاسی ملموس، به حوزه فرهنگ عمومی دسترسی مناسب پیدا می کنند تا بتوانند از طریق جذب گسترده ی حامی، بتوانند در مسائل سیاسی تاثیر گذار باشند.

در این رابطه بررسی مقایسه ای ناآرامی های اجتماعی و تاثیرات آنها در تحولات اخیر انگلستان و ایران می تواند با نگاه تحلیلی برای سیاست گذاری های کلان جامعه، موضوعی جذاب و شایسته پژوهش باشد. برای آنکه بتوانیم ناآرامی ها با منشا ناکارآمدی اقتصادی، نارضایتی سیاسی و نگرش های خرده فرهنگی را به حداقل برسانیم و از عوارض جانبی آن بکاهیم، باید بدانیم که چرا معلمان، کارمندان، پرستاران، اهالی یک شهر یا جمعیت یک حزب دست به اعتراضات خشونت آمیز می زنند و واکنش دولت به این ناآرامی ها چیست؟ نحوه برخورد دولت ایران در قبال این ناآرامی ها با کشورهای دیگر از جمله انگلستان چه تفاوتی دارد؟

اهداف تحقیق

هدف از این پژوهش بررسی تطبیقی مقابله با ناآرامی های اجتماعی در ایران و انگلستان است

پیشینه پژوهش

دلپورتا، دوناتلا، دیانی، ماریو (۱۳۸۴) در اثر مشترک خود به نام "مقدمه ای بر جنبش های اجتماعی" به توضیح در ارتباط با مولفه های جنبش های اجتماعی پرداخته اند. لارنا، انریک جانستون و هانک (۱۳۸۹) در کتاب "جنبش های نوین اجتماعی" علاوه بر معرفی مولفه های جنبش های اجتماعی نوین، به تفاوت نگاه نظریه پردازان جنبش ها نیز نگریسته اند. کلوند (۲۰۰۳) در مقاله "آیا طبقه متوسط جنبش های اجتماعی را رهبری می کند" به پتانسیل های طبقه متوسط جدید در رهبری و جهت دهی به اعتراضات موجود در جنبش های اجتماعی در هویت جهانی ایفا کند، می پردازند. مرادی (۲۰۱۰) در مقاله ی "قوانین ایران: انتخابات ۲۰۰۹ و ناآرامی های سیاسی" به وقایع رخ داده در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در ایران توجه کرده است. بریج (۲۰۱۲) در مقاله ی "چهار روز در آگوست، شورش ها در انگلستان" شورش های سال ۲۰۱۲ انگلستان را در جهات مختلف مورد بررسی قرار داده است.





ایمان و پورجم (۱۳۸۳) در مطالعه ای با عنوان بررسی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به رفتار جمعی تلاش کرده اند تا از منظر جامعه شناسی سیاسی به تبیین و ارزیابی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان بپردازند. در واقع پرسش اساسی آنها این بوده است که چه عواملی بر گرایش دانشجویان بر رفتار جمعی موثرند؟

رضایی (۱۳۷۷) در رساله مقطع کارشناسی ارشد خود در دانشگاه شیراز با عنوان بررسی جامعه شناختی رابطه بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با ظرفیت بالقوه خشونت سیاسی سوال کرده است که آیا پایگاه اقتصادی اجتماعی می تواند ظرفیت بالقوه خشونت سیاسی را تبیین کند؟ شوسمن و سول (۲۰۰۵) در مقاله ای به بررسی علل مشارکت افراد در اعتراض های اجتماعی پرداختند. آنها معتقدند که در سال ۱۹۷۸ تنها ۷ درصد در یک پیمایش اظهار کرده اند که در طول زندگیشان حداقل یکبار در رویدادی اعتراضی مشارکت داشته اند. این رقم در سال ۱۹۹۴ یعنی در دوره ای که شاهد کاهش رای دهندگان بوده ایم به ۱۰ درصد رسیده است. از این رو نباید مشارکت سیاسی را به رای دادن محدود کرد. این پژوهش افزون بر استفاده از مطالعات جاری، در صدد است تا در جریان مقایسه ای تطبیقی ناآرامی های اجتماعی را در دو کشور انگلستان و ایران مشخص نماید.

مبانی نظری

ناآرامی های اجتماعی: بحران های اجتماعی خطرهایی هستند که تعادل، امنیت و سلامت اجتماعی را به طور جدی تهدید می کنند اما هم ماهیت و هم منشا اجتماعی دارند و به صورت تعارض های اجتماعی، ناآرامی، فشارهای برهم زننده سیاسی، شورش ها و اعتصاب های بی مهار برای درخواست های اقتصادی و همانند آنها ظاهر می شوند (رئیس دانا، ۱۳۸۴).

جنبش اجتماعی: جنبش اجتماعی در اصطلاح دانش جامعه شناسی، هرگونه کوشش جمعی برای پیش برد منافع مشترک، یا تأمین هدف اصلی از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهادهای رسمی است. اندازه جنبش اجتماعی بستگی به تعداد اعضای آن جنبش دارد؛ جنبش های اجتماعی کوچک، جنبش هایی هستند که اعضای آنها کم تر از صد نفر است. جنبش های اجتماعی بزرگ، جنبش هایی هستند که هزاران یا میلیون ها نفر را در برمی گیرند (ممن، ۱۳۸۶).

اغتشاش: هرگونه اقدام شدید و خشونت آمیز تعداد و یا گروه هایی از جمعیت ناراضی و فاقد رفتار عقلانی، به منظور دستیابی به اهدافی مغایر با قوانین جاری کشور را



اغتشاش گویند. این گونه اجتماعات معمولاً به وسیله افرادی خاص تحریک گردیده و مبادرت به برهم زدن نظم و آرامش عمومی می نمایند. (سردار نیا، ۱۳۸۸: ۶۳).

اعتراض: اعتراض ابراز مخالفت گفتاری، نوشتاری یا عملی با اقدامی یا رویدادی یا وضعیتی اجتماعی یا سیاسی است. اعتراض به صورت‌های گوناگون ممکن است مانند اعتراض فردی با انتشار مقاله یا تظاهرات گروهی در خیابان. نشریه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۲۱: ۱۳۸۱).

گروه‌های اجتماعی: در علوم اجتماعی، یک گروه اجتماعی، واحدی است شامل دو یا تعداد بیش تری از انسان‌ها که بر اثر کنش‌های متقابل اجتماعی به یکدیگر پیوند خورده باشند و احساس وحدت با هم داشته باشند (ترنر، ۲۰۰۹).

کنترل اجتماعی: نظارت اجتماعی به‌طور کلی به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود (امیر کاوه، ۱۳۸۶).

نظریه‌ها و رویکردهای ناآرامی‌های اجتماعی

رویکرد جنبش‌های اجتماعی جدید: تفسیر رویکرد جنبش‌های اجتماعی جدید، جنبش‌های اجتماعی را هم به عنوان نشانه‌های تضاد و راه حل‌های این تضادهای ذاتی جامعه‌ی فوق بروکراتیک مدرن می‌داند. جنبش‌های اجتماعی، تنش‌های میان حوزه‌های گسترش خود مختاری انسان و نظم رو به رشد ذاتی در منطق توسعه فرا صنعتی را به هم وصل می‌کند. این تضادها در کشمکش‌های جدید در حوزه باز تولید مادی و بین سازمان‌ها و احزاب منعکس نمی‌شود، بلکه کشمکش‌های جدید در حوزه باز تولید فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و در نهایت، انسجام اجتماعی منعکس می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۷۸).

نظریه‌گزینش عقلانی: این نظریه ریشه در نظریه‌های اقتصادی دارد و برای مدل سازی رفتار اجتماعی و مشارکت در حرکت‌های جمعی از آن بهره گرفته اند. بر مبنای این نظریه، کنشگر موجودی عقلانی است که در مسیر عمل و رفتار اجتماعی خود با انتخاب‌های متنوع و فراوانی مواجه می‌شود که بر پایه محاسبه عقلانی سود و زیان، رفتار را محاسبه کرده و گزینه‌ی مطلوب را انتخاب می‌کند. یعنی رفتاری را بر می‌گزیند که بالاترین سود و کمترین زیان را به همراه داشته باشد (بروینگ، ۲۰۰۰: ۱۱۹).





نظریه کارکرد گرایی یا دیدگاه نظم: دیدگاه کارکردها یا دیدگاه نظم مبتنی بر تحلیل اندام وار یا نظام وار از جامعه است. این دیدگاه به طور اساسی محافظه کارانه و مخالف دگرگونی سریع و شدید اجتماعی است. زیرا این نوع دگرگونی ها را سب ایجاد نابسامانی و بی سازمانی در نظا اجتماعی می دانند. از مهم ترین مفاهیم این دیدگاه، نظام، کارکرد، تعادل، ارزش و نظام اجتماعی است (پناهی، ۱۳۸۹ : ۲۱۴). اسملسر نیز نظریه پرداز انواع رفتار جمعی است که به تشریح اجزای کنش اجتماعی یعنی ارزش ها، هنجارها و بسیج انگیزه ها در کنش پرداخته و نظریه ارزش افزوده رفتار جمعی را ارائه کرده است. اسملسر معتقد است که رفتار جمعی همانند سایر کنش های اجتماعی، چهار جزئی دارند که باید مورد توجه قرار گیرند. او اجزای کنش اجتماعی را شامل ارزش ها، هنجارها، بسیج انگیزه در کنش سازمان یافته و امکانات موقعیتی می داند (اسملسر، ۱۳۸۰ : ۴۰).

از ابتدای انقلاب اسلامی تا کنون، به لحاظ روحیه خاصی که بین ایرانیان وجود دارد، بیشتر آنان در جریان فرهنگ پذیری، رفتار مطلق اندیشی در قضاوت و سیاه و سفید دیدن پدیده ها هستند. بنابراین وقتی با یک مشکل اقتصادی مثل تاخیر در دریافت حقوق یا مشکل مسکن، گرانی، هزینه های درمان و یا سایر مسائل اقتصادی (نارضایتی اقتصادی) و یا یک موضع گیری سیاسی در خصوص تقسیمات کشوری یا تصمیمات حومتی و اجرایی (نارضایتی سیاسی) و یا مسائل فرهنگی مثل چاپ کاریکاتور و یا بیان یک کلمه با لهجه ای خاص (نارضایتی فرهنگی) مواجه می شوند، این نارضایتی را به سایر عرصه ها تسری داده و در واقع به تدریج نارضایتی از نظام و ناآرامی های اجتماعی شکل می گیرد. پس می توان گفت در ایران همواره نارضایتی حداقلی به تدریج اما با سرعتی بالا به سمت نارضایتی حداکثری و هر نوع نارضایتی اجتماعی در کوتاه ترین زمان ممکن به اوج خود می رسد (سردار نیا، ۱۳۸۸ : ۷۹).

بدیهی است که یکی از اصلی ترین عوامل برای کنترل، کاهش و یا تقویت و تشدید نا آرامی ها، نحوه عملکرد کنترل اجتماعی عناصر سیاسی، امنیتی و انتظامی است. بنابراین با توجه به اسناد و مدارک موجود، کاملاً روشن و بدیهی است که نوع عملکرد کنترل اجتماعی توسط عناصر امنیتی و انتظامی در زمان قبل، حین و پس از ناآرامی ها یکی از اصلی ترین عوامل در تشدید یا کاهش و در نهایت کنترل ناآرامی ها بوده است. اسناد و مدارک موجود موید این حقیقت است که در نا آرامی هایی مثل تهران و تبریز که عوامل کنترل کننده با اطلاعات و اخبار اولیه و آمادگی لازم و



مدیریت واحد در صحنه حاضر شده اند، توانسته اند نا آرامی ها را کنترل کنند. ولی در ناآرامی هایی مثل مشهد که عوامل کنترل کننده بدون اطلاعات اولیه و یا بدون آمادگی لازم و مدیریت واحد در صحنه حاضر شدند، در کنترل نا آرامی ناتوان بوده اند و عملکرد کنترل اجتماعی خوبی نداشته اند. پس می توان گفت که این عوامل در ناآرامی مشهد، موید فقدان اطلاعات اولیه و آمادگی پیشگیرانه و بازدارنده بوده است و در ناآرامی تهران، نشان دهنده داشتن اطلاعات اولیه نسبی اما آمادگی پیشگیرانه بالا و در ناآرامی تبریز نشان دهنده فقدان برآورد اولیه درست از چگونگی وقوع ناآرامی اما توان خوب در کنترل پس از وقوع بوده است.

ناآرامیهای اجتماعی پدیده های آنی به وجود آمده نیستند، بلکه در بستر روندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شکل گرفته و در شرایط زمانی خاصی امروزه موقعیتهای تنش زای داخلی در بستر شرایط بین المللی و منطقهای حدت و شدت یافته و جامعه را از وضعیت عادی خارج ساخته و در فضای تأثیر موقعیت بر افزایش نارضایتی های اجتماعی و احساس ناامنی می افزاید، و بستر و زمینه مناسب را برای به بار نشستن ناآرامیها فراهم می سازد و عدم عکس العمل مناسب به این مسئله و بسترسازی عوامل برون مرزی، فضا را برای ناآرامی اجتماعی آماده می کند (نشریه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱: ۹). امروزه با کاهش اعتماد عمومی به احزاب سیاسی، جنبش های اجتماعی نقش مهمی در سازماندهی رفتار اعتراضی و بیان اعتراض ها در جوامع دموکراتیک دارند (سردار نیا، ۱۳۸۸: ۱۱).

جنبش اجتماعی: برخی از کنشگران تلاش می کنند تا به جای اعمال فشار بر دولت ها، برای تغییر و باز نگری در قوانین، مردم را نیز به تغییر رفتارشان ترغیب کنند. بر این اساس جنبش های اجتماعی در اولین گام، جهان مطلوب خود را که می خواهند به آن برسند و تشکیلات و ساختارهای بزرگ را در مقیاس های کوچک ترسیم می کنند. به عبارت دیگر اولین کاری که جنبش های اجتماعی انجام می دهند عبارت است از ترسیم ذهنی مدلی که برایشان مطلوب است. هر چند تغییر وضعیت جامعه اولین و اصلی ترین هدف این ناآرامی هاست. در ناآرامی های اجتماعی ایجاد هویت و معنا بیشترین اهمیت را دارند و پس از آن، مطالبات سیاسی، نمایندگی سیاسی یا سیاست های سازمانی و نهادی قرار دارند (نش و اسکات، ۱۳۸۸: ۲۴۰).

جنبش های اجتماعی نوین: ناآرامی های اجتماعی نوین، محصول رشد نوگرایی و چون و چرا کردن انسان مدرن در کیفیت زندگی روز مره اش است (حسین زاده،





۱۳۸۶). این ناآرامی ها ممکن است در بر گیرنده احزاب سیاسی و سازمان های مبارز انتخاباتی باشند، اما افرادی را نیز در بر میگیرند که بخشی از هیچ ساختار سازمان رسمی نیستند. آنها گرداگرد اندیشه هایی سازمان دهی می شوند که به افراد موافق جنبش، شکل های جدیدی از هویت اجتماعی و سیاسی می دهد (مک لین، ۱۳۸۷: ۸۸۵). این جنبش ها همچنین همه ی پدیده های جمعی، اشکال کنش در سطح گوناگون ساختار اجتماعی را گرد هم می آورند (لارنا و جانستون، ۱۳۸۹: ۱۳۸۹). و خواهان تغییر بخش یا حوزه ای از مناسبات اجتماعی یا فرهنگی در روابط روز مره و در روال معمول زندگی اجتماعی و نه دگرگونی ساختار سیاسی و تغییر موازنه های قدرت می باشند (صالحی امیری، ۱۳۸۷: ۲۳۸).

پیشرفت و گسترش ارتباطات، مسئله ایجاد فضای مجازی، حذف فاصله فیزیکی و نزدیکی افراد بشر، از تحولات عصر حاضر است که موجب افزایش آگاهی، توسعه و بالا رفتن سطح توقعات و انتظارات شهروندان شده است. نتیجه این تغییرات سبب شد تا شهروندان خود را با دیگران مقایسه کرده و حقوق و امکاناتی را از دولت ها طلب کنند. با توجه به محدود بودن امکانات و افزایش توقعات و نارسایی های دیگر امکان ایجاد این خواسته ها توسط دولت ها امکان پذیر نیست. بنابراین این امر سبب ایجاد نارضایتی و اعتراض در افراد و بروز ناآرامی ها و اغتشاشات متعدد شد. عواقب و آثار این اغتشاشات و ناآرامی ها، آثار داخلی و خارجی متعدد برای دولت ها ایجاد کرد و باعث شد آنها به این امر توجه جدی کنند (قرائی، ۱۳۸۶: ۳۸).

گونه شناسی جمعیت ناآرام

امروزه در همه کشورها، حتی در کشورهای توسعه یافته، اختلاف نظر و تعارض میان حکومت و مردم امری شایع است. اما نکته مهم در این بین، چگونگی ابراز مخالفت، بیان خواسته ها، شیوه مدیریت بحران و نحوه تصمیم گیری و پاسخگویی سیستم به مطالبات است. اگر بخواهیم اغتشاشات و ناآرامی های اخیر را از منظر نوع بازیگران مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم، با گروه های مختلفی از بازیگرانی مواجه هستیم که هر کدام با انگیزه، هدف و روش خاص خود وارد میدان شده بودند، اما ارتباط و پیچیدگی میان متغیرهای گوناگون در کنار عوامل پیشران و عناصر تحریک کننده، کنش های بازیگران را از موازیت به سمت تراکم، هم افزایی و انسجام و در نهایت در مسیر تعارض با ارزش ها و ساختارهای نظام قرار داد. شناخت صحیح خواسته ها، اهداف و روشهای هرگروه از بازیگران می تواند به تصمیم گیران در انتخاب عکس



العمل مناسب در پاسخگویی صحیح و منطقی به مطالبات مشروع، و یا برخورد و مقابله با زیاده خواهی های نامشروع کمک نماید. در یک تقسیم بندی جمعیت شرکت کننده در ناآرامی ها را می توان در قالب گروه های زیر دسته بندی نمود (ساندرز، ۱۳۹۰: ۱۱).

گروه اقتصاد زدگان: از میان مسائل مختلف، مشکلات اقتصادی مهمترین بستر غلیان نارضایتی های اجتماعی است. نارضایتی ناشی از مشکلات معیشتی، رکود و بیکاری، فقر، گرانی، هزینه های سنگین زندگی، افزایش قیمت برخی کالاها و خدمات، وضعیت نابسامان موسسات مالی و اعتباری که بخشی از دهک های پایین و متوسط جامعه را مبتلا نموده است؛ جنس اعتراض این گروه از افراد، اعتراض به ناکارآمدی سیستم به خصوص در بخش های اقتصادی است و هدف غایی این بازیگران اصلاح مدیریت ها و هدایت منابع به سمت بهبود شرایط اقتصادی بود.

این گروه هر چند به واسطه گرفتاری های اقتصادی و به طبع آن معضلات اجتماعی ترجیح می دهند از روش های بدون خشونت استفاده نمایند اما رسیدن به نتیجه برای آنان اولویت بیشتری دارد، اولییتی که می تواند خشونت را نیز با خود به همراه داشته باشد، خصوصاً این که اگر شخص احساس کند این تنها راه باقی مانده خواهد بود، در اعمال خشونت و پرخاشگری چندان تعلل نخواهد کرد. بهترین راه برای آرام نمودن این قشر از معترضین، شنیدن خواسته آنان، رسیدگی سریع و پیگیری جدی برای رفع مشکلات اقتصادی است. آنگونه که امیرمومنان در فرمان تاریخی خود به مالک می فرمایند: از وظائف اختصاصی تو زمامدار و والی این است که نیازمندی های مردم را در همان روز که به اطلاع می رسد مرتفع سازد.

گروه عدالت طلبان: منظور از فساد، سوء استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی یا گروهی در سطح خرد و کلان است. در میان معترضین، کسانی هستند که رونمایی از فسادهای بزرگ اقتصادی، اختلاس و ارتشا، حمله ژن های برتر در تصرف امکانات، توزیع نابرابر منابع و امکانات، اشرافیت مسئولین و... آنان را رنج می دهد. در میان این قشر از معترضین می توان از همه دهک های اقتصادی جامعه نمونه هایی را مشاهده کرد. عامل اصلی اعتراض این گروه، احساس نرسیدن به حقوق خویش به تصور بلعیده شدن سهمشان توسط دیگران، دولت و حتی سایر دولت ها و ملت هاست. اطمینان این افراد نسبت به قانون و یا مجریان قانون در خصوص توانایی و عزم جدی در مبارزه با فساد و نابرابری ها و حفاظت از حقوقشان خدشه جدی برداشته، لذا تصور می کنند با اعتراض و تأثیر گذاشتن بر برخی تصمیمات از یک طرف، خواهند توانست





با فساد و رانت خواری به عنوان عامل اصلی عدم توازن و نابرابری در سیستم های اجتماعی و اقتصادی که موجب بروز بی عدالتی شده، مقابله کنند و از طرفی، مانع تصرف بیشتر حقوق و اموالشان از سوی دیگران شوند. اصلاح نظام دادرسی و نظارت، شفاف سازی، اطلاع رسانی در رابطه با نظارت، کشف و مبارزه با فساد، برخورد قاطع و به موقع با مفسدین و عوامل پشت پرده، عدالت در قضاوت، کنترل سلامت بخش قضایی، نظارت بر فرایند دادرسی می تواند این گروه را از صف معترضین خارج نماید.

گروه هیجان زدگان: هیجان ها جزیی جدایی ناپذیر از زندگی انسان هاست که می توان با کنترل، آن ها را در خدمت رشد و تعالی انسان قرار داد. در این میان، هیجانات دوره جوانی و نوجوانی از اهمیتی مضاعف دارد. در دوره نوجوانی به علت گذار از دوران بلوغ و رشد سریع جسمانی و عاطفی، و عدم رشد قوه استدلال و تفکر به موازات هیجانات، کنترل عواطف بسیار مشکل است. جوان با آن عواطف طوفانی خود از یک سو و تنوع طلبی متناسب با سن خود از سوی دیگر، بیشتر به ماجراجویی و سرگرمی بی حد و حصر تمایل پیدا می کند که همین مسئله می تواند سرآغاز بسیاری از انحرافات و مشکلات باشد، بطوری که در میان معترضین حوادث اخیر قشری غالباً جوان و نوجوان وجود دارد که دلیل حضور آنان در اعتراضات، بستر محیط هیجانی و ناآرام آشوب است. ایجاد سر و صدا، حضور نیروهای پلیس، حضور خبرنگاران و عکاسان، اعمال خشونت از سوی معترضین، شکسته شدن شیشه بانک، آتش زدن اتوبوس، سر دادن شعار، شلیک گاز آتش آور و ... فضایی هیجان انگیز را به وجود می آورد که در این فضا امکان «دیده شدن» و «تخلیه» هیجانات وجود دارد. این افراد با دیدن اعمال و رفتارهای برخی معترضین، به اصطلاح جوگیر شده و ممکن است دست به اقدامات خشونت آمیز بزنند؛ زیرا انسان هیجانی خوب فکر نکرده و موقعیت ها را روشن نمی بیند. البته بخش بزرگی از این افراد که هیجان کمتری دارند، ترجیح می دهند در این ناآرامی ها تماشاچی باقی بمانند و مانند تماشاگران مسابقه فوتبال با نگاه کردن به رفتارهای هیجان انگیز دیگران، هیجان خود را تخلیه نمایند. شاید بهترین راه برای جدا کردن این گروه ها، فراهم آوردن فرصتی برای تخلیه هیجانات و دیده شدن از طریق ایجاد محیط های مشخص در قالب برنامه های ورزشی، هنری و تفریحی ارزان و قابل دسترس است. مدارا کردن، کنار گذاردن سختگیری های بی جا، صدور مجوز برای فعالیت گروه های هنری سالم، توسعه فعالیت ها و فرصت های ورزشی می تواند در کنترل و جهت دهی سالم این نوع هیجانات مفید باشد.



گروه نوگرایان: در میان معترضین قشری از طبقه متوسط جدید جامعه وجود دارد که آنگونه که باید و شاید نسبت به قواعد و هنجارهای رسمی جامعه الزامی نمی بیند و پیروی از قواعد مستقر برایش چندان جذابیت و مطلوبیتی ندارد. این گروه سر در مدرنیته و پای در سنت ها دارد. رویشی جدید از تجدد یا همان نوگرایی که هم اکنون دچار انومی است. انومی نه به معنای بی هنجاری، بلکه به معنای عدم التزام به قواعدی است که دولت نمایندگی آن را بر عهده دارد. هانتینگتون ایجاد فرصت های تحرک و مشارکت سیاسی و نهادینه سازی سیاسی را عامل تعدیل کننده این خشونت می داند. بنابراین می توان با هوشمندی و از طریق فعال سازی نهادهای جامعه مدنی، ایجاد تعاونی های اقتصادی، تشکیل کمپین ها و سمن ها، فرصت مشارکت و تحرک اجتماعی را برای این گروه فراهم می آورد تا ضمن حفظ منزلت اجتماعی، زمینه جذب و هدایت فرهنگی و نزدیکی بیشتر میان این گروه با هنجارهای مطلوب جامعه را صورت گیرد.

گروه معاندان: گروههای معاند بخش کوچکی از جمعیت را در میان معترضین شامل می شوند، اما بیشترین خشونت ها و تخریب ها از سوی این افراد صورت می گیرد. مبارزه ایدئولوژیک و حمله مستقیم به اصول اساسی نظام با هدف تغییرات بنیادین و یا پایان بخشیدن به نظام از سوی این گروه ها صورت می گیرد. نبرد مسلحانه، خشونت، ترور و انتحار و ایجاد فضای رعب و وحشت از روش های مورد استفاده این گروه هاست. نکته قابل توجه، حمایت دولت های خارجی و استکبار جهانی از این گروه هاست و با تزریق پول و امکانات، پوشش رسانه ای و فشار بین المللی هر روز بیش از پیش مورد تفقد قرار می گیرند. هرچند آگاهی بخشی به جامعه می تواند مانع عضوگیری این افراد گردد و یا بخشی از بدنه این گروهک ها را به دامان جامعه برگرداند اما در مورد کادر اصلی این گروهک ها لزوم برخورد جدی احساس می شود.

«باس» استدلال می کند که هر چند سطوح پایین مجازات، مانع از تجاوز یا تهاجم نمی شود، اثرات بازدارندگی سطوح بالای مجازات موجب جلوگیری از تجاوز شده و منجر به عقب نشینی می شود. زیرا در سطوح بالای فشار، افراد نمی توانند خشونت نشان دهند چون هزینه این ابراز خشونت، برای آن ها خیلی سنگین تمام می شود. وقتی مجازات مورد انتظار آن قدر قوی نیست که مانع بروز خشونت شود، انگیزه کافی برای ابراز خشونت وجود دارد. بنابراین برخورد قضایی جدی و سریع با این عوامل و





گروهک ها می تواند هزینه انجام اقدامات خرابکارانه را برای آن ها بالا ببرد و مانع از اجرای فعالیتشان گردد (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۶: ۱۱۴).

روش پژوهش

این پژوهش بر آن است؛ برای بررسی «مقابله با ناآرامی های اجتماعی در ایران و انگلستان» از روش مقایسه ای بهره جوید. این روش برای مقایسه نظام های اجتماعی و یافتن تشابهات و اختلافات آنها در دراز مدت و تحولات اجتماعی مناسب است. در این روش باید تشابهات یا تفاوت ها یا ارتباط موجود بین عوامل یا گروههای اجتماعی نشان داده شود. همینطور پژوهشگر باید همان فرآیندها و مفاهیم اجتماعی را در بستر تاریخی - اجتماعی متفاوت مقایسه نماید. بدین منظور روش جمع آوری داده های ما بدین صورت بوده که از کتاب های مختلف، اسناد و مقالات و بیانات شخصیت های موثر در این موضوع استفاده شده است.

ناآرامی های اجتماعی در ایران و انگلستان

در ادامه فرایند مقابله با ناآرامی های اجتماعی ایران با کشور انگلستان مورد بررسی و تطبیق قرار می گیرد

انگلستان:

در اوت ۲۰۱۱، انگلستان شاهد اغتشاشات گسترده عمومی در ۶۶ مکان با تجمع بود که با تیراندازی پلیس به یک مرد سیاه پوست در شمال لندن رخ داد (بریز، ۲۰۱۲). واکنش اولیه از سیاستمداران و جراید این بود که توضیح دهند چرا شورش اتفاق می افتد و چه پاسخی برای آن لازم است؟ (کلسی، ۲۰۱۵: ۲۴۳). کمتر از یک سال از شروع المپیک لندن، شورش ها در بریتانیا باعث نگرانی بر اجرای بازی ها شد. این شورش ها در سراسر کشور با بیش از ۱۰۰ میلیون پوند هزینه رخ داد (آنونیموس، ۲۰۱۱). با تجزیه و تحلیل شورش ۲۰۱۱ در لندن می توان گفت مفاهیم رسانه و سیاست تغییر یافته است. همچنین در حال حاضر تفسیر مفاهیم از جوانان، نژاد جرم و جنایت و محرومیت در مقایسه با جرم و جنایت و شورش ۱۹۸۱ تغییر کرده است به عبارت دیگر تجزیه و تحلیل ها نشان می دهند که چگونه امروز بحث از جنایت محض جایگزین مشکلات اجتماعی شده است (گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۸).

با آن که در پوشش رسانه ای، تظاهرات خشمگین و اشغال لندن و بسیج نوآورانه بود، اما تظاهرات اتحادیه های کارگری متعدد در برخی از تجزیه و تحلیل ها وجود نداشت (پترسون، ۲۰۱۵: ۱۳). در آن تظاهرات نخبگان سیاسی و اقتصادی جناح چپ





معتقد بودند که ما قربانیان ناعادلانه ریاضت اقتصادی هستیم (پترسون، ۲۰۱۵: ۱۴). به نظر کارشناسان داده ها به طور مداوم نشان می داد که مردانی که در شورش ۲۰۱۱ شرکت کرده اند، فرهنگ مصرف گرایی بر روی آنان تاثیر گذاشته است (تریدول، ۲۰۱۳). برخی دیگر از کارشناسان معتقدند انگلستان تا بحال چند تظاهرات دانشجویی، چند اعتصاب و راهپیمایی اتحادیه کارگری در طول به روی کار آمدن دولت از یک سال پیش از ۲۰۱۱ تا بعد از شورش ها به خود دیده است و دولت به خوبی می داند که همه اینها در یک اقدام پس زمینه کاهش بی رحمانه حمایت اقتصادی و اجرای طرح ریاضت اقتصادی است (گاردین، ۲۰۱۱). به طور کلی می توان تمام نظریات در ارتباط با شورش لندن را به ۵ دسته تقسیم کرد:

- ۱- نابرابری اجتماعی و اقتصادی؛
- ۲- پاسخ ضعیف پلیس؛
- ۳- نرخ بالای بیکاری جوانان؛
- ۴- فرصت طلبی؛
- ۵- تبعیض نژادی تقسیم کرد (ویک، ۲۰۱۱: ۷۲).

با توجه به موارد مطروحه این افراد برای ابراز و بیان خواسته های خود دست به این اعمال می زدند، آنها تعداد بسیار زیادی از خانواده های فقیر بودند که به فراموشی سپرده شده و دارای هویتی مشخص بودند و از طرفی دیگر با اتحاد با یکدیگر در شبکه های مجازی دست به مخالفت با دولت زده و در این راستا کارهای آنان به صورت فراگیر عمومیت یافت. این اعتراضات منجر به بروز یک هویت واحد در برابر دولت شد؛ هویتی که اقوام مهاجر و بیکاران فراموش شده قسمت اعظم آن را تشکیل می دادند و مخالفت با دولت همراه با درگیر شدن با پلیس و خراب کردن اموال عمومی و غارت همراه بود. که این دو در سطح مردم عمومیت یافت و به اپیدمی تبدیل شد که مردم با آن کنش هویتی خود را شکل می دادند. به عبارت دیگر آن ها می خواستند هویت خود را که از سمت دولت به فراموشی سپرده شده بود را با اعتراضات اجتماعی بیان کنند.

ایران:

در خرداد ماه ۱۳۸۸، وقایعی پس از انتخابات ریاست جمهوری در ایران رخ داد که باعث ایجاد مساله های متفاوتی در ابعاد مختلف گردید. اعتراض برخی از کاندیدها به نتیجه انتخابات، منجر به ظهور اعتراضاتی توسط مردم شد که به وقایع مختلفی در ایران انجامید. برخی از کارشناسان ریشه بروز این وقایع را به حدود ۲۰ سال قبل از آن





می دانند. آنها معتقدند پس از جنگ تحمیلی ایران و عراق، در حالی که در جامعه ذاتا متکثر ایرانی، بزرگترین نیاز، برقراری گفتمان های چند جانبه جهت رسیدن به توافقات هنجاری و تدوین قوانین و مقررات حقوقی لازم برای اداره نظام اجتماعی، امر ضروری به نظر می رسید، غلتیدن به سمت هرج و مرج سیاسی و فرهنگی، مفید شدن گفتمان های صورت گرفته را تقلیل داد و از درون آنها توافق های هنجاری پسین که صورت مساله های بنیادین را در بر دارد کمتر به دست آمد (شفیعی، ۱۳۸۹: ۳۲۴).

با اعلام نتایج ریاست جمهوری مبنی بر اینکه آقای احمدی نژاد با ۶۲/۶۳٪ در برابر ۳۳/۷۵٪ آقای موسوی آرا پیروز را به دست آورده است. در واکنش به اعلام نتایج انتخابات، شمار گسترده ای از مردم برای ابراز خشم خود نسبت به نتیجه ی انتخابات، با به اشتراک گذاشتن احساسات و هیجانات سیاسی خود به خیابان ها آمده و نسبت به دست کاری نتایج انتخابات، اعتراض خود را اعلام کردند. رهبران معترضان خواستار برگزاری اعتراض سراسری شدند. به دنبال آن در روز ۲۵ خرداد، تهران شاهد حضور جوانان، میانسالان، کهنسالان، کارگران و کارمندان، بازاری ها و دانشجویان و زنان و مردان در راهپیمایی سکوت از میدان انقلاب تا میدان آزادی بود (مرادی، ۲۰۱۰: ۵۳).

این حرکت اعتراضی، نخست انقلاب رنگی و پس از مدت کوتاهی با آگاهی از دلالت های غیر رضایت بخش این اصطلاح خاص، به کودتای مخملی و اقدام علیه جمهوریت نظام تفسیر شد. استدلال این بود که رهبران این حرکت اعتراضی به پیروی از احزاب سایر کشورها، پس از شکست در انتخابات با توسل جستن به راهبردهای قانون شکنانه نسبت به نتایج انتخابات اعتراض کرده و تلاش می کنند تا آنچه از طریق صندوق های آرا به دست نیاوردند، به یاری تظاهرات خشونت آمیز خیابانی تحصیل نمایند؛ زیرا رژیم های سیاسی با هدف برقراری امنیت وثبات سیاسی ممکن است طی مصالحه ای سیاسی به خواست های نامشروع رهبران معترضان تن دردهند (چرنیخ، ۲۰۱۴: ۱۳۵۹). با این وجود در ارزیابی این تحلیل نباید از خاستگاه اقتدار آمیز این گونه رژیم ها غفلت ورزید.

در دلیل کاوی چرایی کنش مخالفت آمیز افراد می توان بر جست و جو و ابراز هویت گمشده آنان تاکید ورزید. بر این اساس، این اعتراضات منجر به بروز یک هویت واحد در برابر دولت می شود. هویتی که افراد در نمادی چون رنگ سبز و راهپیمایی اعتراضی سکوت، خود را تعریف و بازسازی کرده و هویت خود را به نمایش می گذاشتند. مخالفت با دولت و قدرت مستقر با درگیر شدن با پلیس و نیروهای حامی دولت همراه بود. این



دو عنصر در سطح مردم عمومیت یافت و به عملی تبدیل شد که مردم با آن کنش هویتی خود را شکل می دادند. این سه گانه در حوادث ۲۵ تا ۳۰ خرداد ۱۳۸۸، روز قدس، روز دانش آموز، روز دانشجوی و عاشورای حسینی ادامه یافت. این کنشگران می خواستند هویت خود را که مورد بی مهری قرار گرفته بود، در قالب کنش های اجتماعی بیان کنند. این امر همان گونه که هویت و کنش های هویتی جدیدی را در چارچوب جنبش های اجتماعی جدید به شکل همگانی نمایان می سازد و بدین لحاظ، تحول در منابع انسجام بخش اجتماعی را نوید می بخشد. در نگاهی دیگر خدشه در پیوند مردم با حاکمیت و ارزش های کنونی جامعه و گسست در انسجام ملی تلقی می گردد (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

جایگاه پلیس در کنترل ناآرامی ها

تصمیمات مرتبط با مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض آمیز اگرچه به حرفه پلیس مربوط بوده ولی یک امر درون سازمانی محسوب نمی شود؛ چنین تصمیماتی به این دلیل که به طور مستقیم در جامعه تاثیرگذار است، امر عمومی بوده و در نتیجه چالشهای مرتبط با آن از حساسیت دو چندانی برخوردار است؛ به طوریکه برخی از رفتارهای پلیس می تواند رشد اخلاقی جامعه را مختل کرده و به مثابه مانع رشد عمل نماید (بوسلیکی، ۲۰۱۶) این امر به این دلیل اهمیت دارد که اخلاق اجتماعی در نهایت بر وجوه مختلف امنیت همچون امنیت اجتماعی و امنیت عمومی نیز تأثیرگذار است (صالحی امیری، کریمی خوزانی، ۲۰۰۷).

چالش های پلیس در برخورد با ناآرامی ها

الف) اولویت داشتن آرمان برتر و یا تأکید بر روشهای عادلانه

در خصوص این موضوع که پلیس در مواجهه و برخورد با ازدحامات اعتراض آمیز باید چگونه عمل کند مبتنی بر دیدگاه اخلاقی ماموران که برگرفته از دیدگاه آرمان برتر و یا دیدگاه روشهای عادلانه است تفاوت نظر وجود دارد. در دیدگاه آرمان برتر که از نتیجه گرایی نشأت می گیرد تفکر افراد درباره ارزشها در واقع بر اساس آرمانهایی است که دنبال می کنند. تعهد به آرمان برتر سبب میشود که پذیرفته شود برخی از اهداف، آن قدر مهم هستند که هر راهی برای رسیدن به آن مجاز است (کرانک، کالدرو، ۲۰۱۱). به عبارت دیگر هدف وسیله را توجیه می کند (میسی، اورتمایر، ۲۰۰۴). اگر پلیس باور داشته باشد که کار آنها، هدفی بر حق و عادلانه است؛ بنابراین مقرراتی که مانع کار آنها میشود را غیراخلاقی تلقی خواهند کرد و





ماموران ممکن است قوانین سازمان را دور بزنند تا کاری که به درستی آن باور دارند را انجام دهند (کرانک، کالدرو، ۲۰۱۱). منطبق با این دیدگاه شکنجه، اعمال زور و یا حتی فریب به عنوان عملی پذیرفته شده از نظر اخلاقی مورد استفاده قرار می گیرند اگر پایانه‌های خوب را افزایش دهند (جونز، ۲۰۱۲). در خصوص موضوع بحث که مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراض‌آمیز است، مامورانی که به این دیدگاه اعتقاد دارند به فعالیت اطلاعاتی و مخفی و نیز بهره گیری از شگردهای عملیات روانی که بعضاً از نظر اخلاقی دارای اشکال هستند به عنوان ضرورت اخلاقی برای اجرای وظایف ذاتی پلیس در کنترل نظم و انضباط در جامعه معتقد هستند.

چالش استفاده از زور در کنترل بحرانهای اجتماعی

یکی از پرحاشیه ترین موارد مرتبط با انجام وظایف پلیس در خیابان، استفاده از زور برای کنترل امنیت و حفظ نظم در اجتماع است. به همین دلیل امروزه در فعالیتهای روزمره پلیس سیاستها و استانداردهای برای توسل به زور تعریف میشود که معمولاً مورد نقد و بررسی گسترده نیز قرار میگیرند (درای، سینیانگه، الیزه، پکنت، ۲۰۱۶). در این میان توسل به زور در مقابل تظاهرات و ازدحاماتی که در فکر استفاده از زور نیستند و واکنشهایی صلح آمیز بروز می دهند (دل بایله، لوئیز، ۲۰۰۶) یکی از چالشهای پلیس است. پلیس ممکن است از دیگر شهروندان بخواهد که از قانون تبعیت کنند ولی اگر آنها تبعیت نکنند میتواند آنها را وادار به اطاعت قانون نماید. با این وجود اگر و هرگاه پلیس آشکارا از زور استفاده نماید مشروعیت مقبولیت عملکرد او قابل انتقاد و سؤال بوده و بعضاً هم زیر سؤال میرود. در هیچ یک از جنبه های پلیسی این ابهام مانند حوزه تامین نظم عمومی هویدا و آشکار نیست زیرا هنگامی که پلیس با ازدحام کنندگان اعتراض آمیز و اغتشاشگران مقابله می کند نه تنها احتمال آسیب به آنها وجود دارد بلکه عوامل خود پلیس هم در معرض خطر جدی قرار می گیرند (لیشمن، بری، ساویج، ۲۰۰۷). نکته دیگری که در این خصوص قابل ذکر است این میباشد که دخالت پلیس در کنترل وقایعی که ممکن است نظم عمومی را برهم بزنند، آنان را در تماس و مواجهه با شهروندانی قرار می دهد که از لحاظ سیاسی فعال و پر سر و صدا هستند. شاید پلیس تاثیری مستقیم بر علل ایجاد اعتراض نداشته باشد اما به هر حال بر روند اعتراض، اثرگذاری عمدهای خواهد داشت (فیلدینگ، ۲۰۰۵). وقتی هر گونه اعتراضی به شیوه پلیسی سرکوب شود این بیم میرود که اعتراض قانونی با تحریکات غیرقانونی که





پلیس بیش از هر چیز از آنها هراس دارد در هم بیامیزد و واکنش مستقل و آزاد علیه اقدامات پلیسی سختگیرانه را قوتی دو چندان بخشد. یعنی عملکرد پلیس در مراقبت از نظم عمومی ممکن است به تحریک منازعاتی بیانجامد که خود درصدد پیشگیری از آنهاست (فیلدینگ، ۲۰۰۵). همانطور که مطالعه ناآرامیهای فرانسه، انگلستان و یا آمریکا نشان میدهد جرقه ناآرامی جمعی به شکل عمده به دلیل اقدامات پلیس به وجود آمده است (ودینگتون، جابارد، کینگ، ۲۰۰۹).

نوع ابهام	عنوان چالش و ابهام اخلاقی	راهکار
فلسفی - نظری	ازدحام کنندگان از دید جامعه عملی ضداخلاقی مرتکب نشده اند	تفاوت قائل شدن جرم ازدحام کنندگان از سایر مجرمین
	ابهام در مفهوم اخلاق مداری پلیس؛ لزوم رعایت ارزشها و روشهای اخلاقی یا الزام در توجه به نتایج و ملاحظات مبتنی بر تحقق آرمانها	ترکیب دیدگاه نتیجه گرایی با دیدگاه روشهای عادلانه
قانونی	ابهام در مسئولیت حرفه ای به دلیل الزام تبعیت پلیس از تصمیمات شوراهای تامین	اطلاع رسانی مواردی که پلیس در نحوه مقابله و کنترل، صرفا مجری تصمیمات نهادهای بالادستی بوده و در نتیجه انعکاس غیرمستقیم این مطلب که مسئولیت اخلاقی تصمیمات متوجه پلیس نیست.
مدیریتی - اجرایی	استفاده از زور در مقابل ازدحامات غیرخشونت آمیز	رویکرد مدارا و مماسات در مراحل اولیه و الگوی مرحله ای شدت عمل با





رعایت اصل تناسب و حداقل زور لازم		
طراحی تاکتیکهای عملیات روانی مخصوص پلیس در انطباق با ماموریت و مسئولیتهای حرفه ای این سازمان	استفاده از تاکتیکهای عملیات روانی مخصوص سازمانهای نظامی و نهادهای امنیتی در مدیریت و کنترل اجتماع و شهروندان	
استفاده از تاکتیکهای پلیس مخفی در مواردی که ازدحام، تهدیدکننده امنیت عمومی و ایجاد کننده آسیب شدید به نظم اجتماعی باشد	ابهام در ضرورت استفاده از تاکتیکهای پلیس مخفی در مدیریت و کنترل ازدحامات اعتراضآمیز	

وجه اشتراک دو کشور در کنش ها

جست و جوی همسانی های کنش های هویتی در ایران و انگلستان مار را به چهار ویژگی مهم در این کنش ها رهنمون می سازد:

نخست: کنش های هویتی در ایران و انگلستان بر بهره گیری از شبکه های اجتماعی استوار است. در هر دو کشور از شبکه های اجتماعی چون فیسبوک و توییتر استفاده شد. در ایران آزادی فضای فیس بوک و فضای واقعی، در روزهای منتهی به پایان انتخابات، منجر به خود اظهاری کاربران و آشکارا ابراز کردن علایق و عقایدشان شده بود. همچنین دسترسی سریع، آسان و بدون هزینه به این شبکه ی اجتماعی، فیلتر نبودن در این مقطع زمانی، توانست مردم را ترغیب کرده تا افکار، عقاید و حتی برنامه ریزی برای اعتراضات خود را در این شبکه بیان کنند.

دوم: تخریب اموال عمومی، فارغ از گستره، چرایی وقوع و عوامل آن، پدیده ای شوم را به نمایش می گذارد که دفاع از اعتراض همگانی و شیوه کنترل آن را سخت می کند. در انگلستان، دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا در نخستین واکنش خود درباره ی آشوب ها و آتش سوزی ها و به غارت ر فتن کلی از اجناس فروشگاههای بزرگ و کوچک، عاملان آن را جمعی اوباش و هرج و مرج طلب خواند که با استفاده از سو





استفاده از نا امنی در بعضی از شهرها دست به چپاول اموال و دارایی مردم زدند (بی بی سی فارسی ۱۳۹۱/۱/۱۱). این تخریب در ایران با شدتی متفاوت و هنگام رویارویی معترضان خیابانی با نیروهای انتظامی به وقوع پیوست. مطالعه دقیق و بی طرفانه، گستره ی چرایی وقوع و عوامل آن می تواند سهم تردید ناپذیر پژوهش های اجتماعی در سیاست پذاری های کلان کشور را به نمایش بگذارد.

سوم: بررسی جایگاه اجتماعی افراد مشارکت جو در این دو رویداد، همسانی نیروهای تاثیر گذار را نشان می دهد. در انگلستان بنا بر گزارش رسانه ها با توجه به خصوصیات کسانی که بازداشت شدند، افرادی از طبقات اجتماعی، نژادها و قومیت های مختلف دیده می شود و فزون تر بسیاری از بازداشت شدگان جوان و حتی نوجوان بودند (بی بی سی فارسی ۱۳۹۰/۴/۲۱). در ایران به ویژه در شهر تهران، رهبران معترضان در تاریخ ۲۵ خرداد خواستار برگزاری راهپیمایی سراسری سکوت شدند که به دنبال آن جمعیت انبوهی با پیشینه های متفاوت جنسی، قومی، طبقاتی، قشر بندی و شغلی مشارکت داشتند. (مرادی، ۲۰۱۰: ۵۳). همین امر در ترکیب معترضان و بازداشت شدگان به چشم می خورد.

چهارم: تشکیل کمیته حقیقت یاب با هدف آسیب شناسی شرایط وقوع و چگونگی مدیریت آن، همسانی این دو رویداد را در اقدامات پس از وقوع، آشکار می سازد.

وجه اختلاف دو کشور در کنش ها

نخست: هر دو حزب کارگر و محافظه کار در انگلستان، یک تصمیم واحد در برابر با قضایای رخ داده گرفتند. اما در ایران اصلاح طلبان و اصولگرایان هریک نظرات خاص خود را داشته و سعی بر آن داشته تا نظر خود را موجه نشان دهند و بر دیگری تحمیل کنند.

دوم: در انگلستان تظاهرات عمومی مردم علیه دولتی بود که می خواستند صرفاً هویت گمشده خویش را به دولت باز شناسند. بدین ترتیب که با بالا گرفتن تظاهرات علیه پلیس لندن و اتهام پرونده سازی برای سرپوش گذاشتن بر نژاد پرستی پلیس، دامنه تظاهرات گسترش پیدا کرد و اعتراض های آرام اولیه به درگیری با پلیس منجر شد. (بی بی سی فارسی، ۱۳۹۱/۱/۱۱). اما در ایران حامیان تظاهر کنندگان، کسانی بودند که می خواستند قدرت اجرایی را بدست بگیرند و نسبت به نتیجه انتخابات معترض بودند. سوم: تشکیل دادگاههای افراد در انگلستان بسیار سریع و همراه با تشکیل دادگاههای شبانه بود؛ به طوری که بامداد روز پنج شنبه ۲۰ مرداد منابع قضایی انگلستان گزارش





کردند که تعدادی از دادگاههای بدوی در لندن، منچستر و سولیپیل به منظور رسیدگی به شکایات پلیس علیه کسانی که در جریان ناآرامی های اخیر بازداشت شده اند تشکیل جلسه دادند. اما در ایران اولین جلسات ۲ ماه بعد از اعتراض تشکیل شد. اولین دادگاه شنبه ۱۰ مرداد ۸۸، دومین شنبه ۱۷ مرداد ۸۸، سومین ۲۵ مرداد ۸۸، چهارمین ۳ شهریور ۸۸ و پنجمین ۲۳ شهریور ۸۸ (بی بی سی فارسی، ۹۰/۵/۲۰).

چهارم: در انگلستان جرائم محدود به سرقت شد و اکثر موارد محاکمه ها به دادگاههای بدوی سپرده شد. دادگاههای بدوی حق صدور احکام مجازات های نقدی نسبتا سبک و حبس تا شش ماه را دارند، اما می توانند پرونده هایی را که مستوجب احکام سنگین تری می دانند به دادگاههای بالاتر ارجاع دهند که به معنی روند طولانی رسیدگی قضایی است. اما در ایران وسعت جرائم زیاد شده و دامنه اش به اقدام علیه امنیت ملی رسید که دادگاههای انقلاب باید به آن رسیدگی می کردند (بی بی سی فارسی، ۹۰/۵/۲۰).

پنجم: از دوربین مدار بسته برای شناسایی متخلفان در انگلستان استفاده شد. همچنین از تصاویر گرفته شده از حوادث اخیر برای شناسایی متهمان استفاده شد. پلیس هزاران نفر را شناسایی کرد و با استناد به صدها تصویر از دوربین های مدار بسته عمومی و خصوصی که بسیاری از مردان و زنان جوان سفید و سیاه پوست را که در حال شکستن در و پنجره فروشگاهها و به غارت بردن هر آنچه که به دستشان می رسید نشان می داد، شمار کثیری از آنان را روانه دادگاهها کرد. این در حالی بود که در ایران به دلیل کمبود دوربین های مدار بسته، بسیار کم از این دوربین ها برای شناسایی افراد استفاده شد و وظیفه ی شناسایی به عهده قوای انتظامی و اطلاعاتی بود و مردم نقشی در آن نداشتند یا نقش آنان بسیار کم رنگ بود (بی بی سی فارسی، ۹۱/۱/۱۱).

نتیجه گیری

بررسی ناآرامی های اخیر دو کشور ایران و انگلستان نشان می دهد که گروه ها و افراد گوناگون با خواسته ها، اهداف و انگیزه ها، روش و منش های متفاوت در این اعتراضات شرکت داشتند. طیفی از اقتصاد زدگان، عدالت طلبان، نوگرایان، هیجان زدگان در قالب معترضین و بخش کوچکی از گروه های سلطنت طلب، منافقین، غرب زدگان و... در قالب معاندین حضور داشتند. نکته قابل توجه تفاوت میان نقطه شروع و نقطه اوج حرکت است. تشریح بیشتر مطلب نشان می دهد استارت اولیه از سوی اقتصاد زدگان کلید می خورد و شعارها و خواسته ها جنبه اقتصادی دارد و شعارها، گرانی و معیشت



را هدف قرار داده است، خشونت در این مرحله همچنان بالقوه است. با پیوستن عدالت طلبان به جمع معترضین بار جمعیت و خواسته ها متراکم تر شده و فساد و اختلاس جای خود را در شعارها باز می کند و حرکات در آستانه خشونت و برخی نقاط ناآرام شکل می گیرد. حضور پلیس ضد شورش و سعی در متفرق ساختن جمعیت در کنار مقاومت جمعیت، اشتیاق پیوستن هیجان زدگان را افزایش می دهد. با ورود این گروه خشونت های اعتراضی و کف و سوت به صحنه اضافه می گردد. طبقه نوگرا که فرصت بیان خواسته هایش را فراهم می بیند، به جمعیت می پیوندد و از این جا شعارهایی در مخالفت با برخی شخصیت ها و سیاست های دولتی به گوش می رسد. معاندین که از ابتدا در میان جمعیت حضور داشته و از ارتباط و سازماندهی تشکیلاتی برخوردار بوده، با استفاده ابزاری از جمعیت و مصادره به مطلوب نمودن حرکت، آن را به سمت عناد، کشتار و حمله هدایت می کند و شعارهای ساختار شکنانه را وارد بازی می کند. هر چند هوشیاری مردم و جدا شدن از صف معاندان تب حرکت را فرو نشاند، اما نشان داد که بی توجهی و کاهلی در تحقق مطالبات بخش های مختلف جامعه، به سرعت زمینه فعالیت و موج سواری را برای گروه های معاند فراهم می آورد و می تواند بحران های جدی را برای نظام به دنبال داشته باشد.

پیشنهادهایی برای مدیریت هوشمندانه بحران های اجتماعی

نظام مقدس اسلامی برای آنکه بتواند به جهت کاهش توان بالقوه اعتراضات و نا آرامی های اجتماعی شهروندان موفق شود می تواند اقدامات زیر را جزو برنامه های بلند مدت و کوتاه مدت خود قرار دهد:

۱- آشکاراست که نظامهای سیاسی به دنبال حفظ نظم و امنیت و برقراری آرامش و ثبات در زندگی سیاسی هستند. اما این امر نباید به غفلت از ریشه های اصلی بحرانهای اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه منجر شود. این ریشه ها در نارضایتی شماری از گروههای تاثیر گذار نسبت به حمایت های تساهل مدارانه از دستگاههای اجرایی قابل جست و جو است.

۲- آرایه اطلاعات درست و غیر جانبدارانه از حوادث و رویدادهای جاری شامل چرایی و چگونگی اقدامات مخالفت آمیز، آمارها در مورد کشته شدگان و مصدومان، علت بازداشتها، تعداد پرونده های ارجاع شده به دادگاهها و توام با آن، پاسخگویی صحیح دولتمردان، دستگاههای اطلاعاتی رسانه ای و رسمی به افکار عمومی می تواند از بی





اعتمادی عمومی به منابع خبری داخلی فرو کاسته و به موازات آن، تاثیر گذاری شبکه های اطلاع رسانی خارجی را بی اثر یا کم اثر سازد.

۳- از مهم ترین عوامل دیگری که می تواند به جهت تشدید، توسعه و یا کاهش و مهار اعتراضات و نا آرامی های اجتماعی، نقش تعیین کننده ای داشته باشد، نحوه ی برخورد مسئولین و یا مامورین اجرایی با معترضان، قبل و زمان بروز نارضایتی، اعتراضات و مساعد شدن روحیه پرخاشگری قبل از ورود و مدیریت مخالفان به صحنه است که این امور را می توان با داشتن اطلاعات و اخبار صحیح اولیه از واقعه (قبل و یا حین حادثه) توسط مسئولین امنیتی، سیاسی و انتظامی و در نهایت مدیریت واحد در صحنه، به نحو مطلوب مدیریت کرد.

۴- محدود شدن اتهامات افراد و گروههای سیاسی دخیل در رویدادهای مخالفت آمیز به جرائم عینی کم دامنه و اثبات شدنی می تواند به جذب سیاسی همه ی شهروندان درون یک نظام کارآمد سوق یابد. گسترش دامنه اختلاف های سیاسی با برچسب تشویش اذهان عمومی، اقدام علیه امنیت ملی، اخلاف در نظم عمومی و مانند آن به معترضان پیامد اجتناب ناپذیر تداوم و تعمیق شکاف بین دولت و جامعه را به همراه دارد.

۵- بحران های اجتماعی ریشه در شرایط ساختاری و تصمیم های سیاسی کلان دارد. هر گونه اقدام جهت تغییر شرایط باید در عزم تصمیم سازان جست و جو گردد. فارغ از تحلیل های توهم آمیز و استناد سازی های تخیلی، فرو کاستن از بحران های اجتماعی بادوام و غیر مقطعی نیازمند تحولی جدی در ساختار تصمیم سازی، منابع اطلاعاتی و چگونگی نگرش به پایه های مشروعیت بخش نظام سیاسی است.

منابع

- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶). **جامعه شناسی توسعه**، چاپ ششم، انتشارات کیهان: تهران
- اسملسر، نیل (۱۳۸۰). **تئوری رفتار جمعی** ترجمه رضا دژاکام، تهران: موسسه یافته های نوین
- ایمان، محمد تقی؛ پورجم، دانش (۱۳۸۳). **بررسی عوامل موثر بر گرایش دانشجویان به رفتار جمعی**. مشهد: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی
- امیر کاوه، سعید (۱۳۸۶). **نظارت اجتماعی**. نشریه علوم انسانی، شماره ۲۱
- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۹). **نظریه های انقلاب؛ وقوع، فرآیند و پیامدها**. تهران: نشر سمت
- حسین زاده، فهیمه (۱۳۸۶). **جنبش های اجتماعی نوین، تهدید یا فرصت**. سیاست داخلی، سال اول، شماره دوم
- دلپورتا، دوناتلا، دیانی، ماریو (۱۳۸۴). **مقدمه ای بر جنبش های اجتماعی**، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر
- رضایی، بهنام (۱۳۷۷). **بررسی جامعه شناختی رابطه بین پایگاه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی با ظرفیت بالقوه خشونت سیاسی**. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز
- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۴). **علل، عوامل و انگیزه های اجتماعی-اقتصادی بروز بحران ها و تهدیدهای اجتماعی در ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶
- ساندرز، دیدید (۱۳۹۰). **الگوهای بی ثباتی سیاسی**، چاپ دوم، پژوهشکده مطالعات راهبردی: تهران
- سردار نیا، خلیل الله (۱۳۸۸). **تاثیر اینترنت بر درگیر شدگی مدنی شهروندان**. فصلنامه پژوهش ارتباطی، سال ۱۶، شماره ۴
- سردار نیا، خلیل الله؛ قدرتی، حسین (۱۳۸۸). **نقش حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی، پژوهشنامه علوم سیاسی**، سال پنجم، شماره اول
- شفیعی، محمود (۱۳۸۹). **جامعه شناسی سیاسی ایران** (مبتهی بر نظریه کنش ارتباطی). تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق



- صالحی امیری، رضا (۱۳۸۷). مجموعه مقالات همایش چالش های اجتماعی ایران به کوشش سید جواد نگارنده و زهرا رضایی، تهران: نشر مجمع تشخیص مصلحت نظام
- قرائی مقدم، امان الله (۱۳۸۶). *مبانی جامعه شناسی*، چاپ پنجم، انتشارات ابجد: تهران

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). *جامعه شناسی*، تهران: نشر نی

- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). *با همکاری کارن برد*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی
- لارنا، انریک؛ جانستون، هانک (۱۳۸۹). *جنبش های نوین اجتماعی*، ترجمه محمد کمال سروریان و علی صبحدل، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی مطالعه آشوبهای شهری در ج . (۱۳۸۱). جمعی از مؤلفان پژوهشکده مطالعات - راهبردی، نشریه پژوهشکده مطالعات راهبردی

- مک لین، این (۱۳۸۷). *فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد*، ترجمه حمید احمدی. تهران: نشر میزان

- ممن، تی کی. (۱۳۸۶) «*جنبش های اجتماعی جدید*»، ترجمه احمد احمدلو، اصفهان: انتشارات گلبن.

- نش، کیت؛ اسکات، آلن (۱۳۸۸). *راهنمای جامعه شناسی سیاسی*، جلد اول، ترجمه محمد علی قاسمی و قدیر نصری. تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی

Anonymous, (۲۰۱۱), What's Behind The UK Riots?, [Http://Search.Proquest.Com/Docview/۸۹۵۸۱۰۳۱۳ Accountid=۹۸۵](http://Search.Proquest.Com/Docview/۸۹۵۸۱۰۳۱۳ Accountid=۹۸۵)
Bridges, Lee (۲۰۱۲), Four Days In August: The UK Riots, Race Class July- September ۲۰۱۲ Vol. ۵۴ No. ۱-۱۲, Doi: ۱۰.۱۱۷۷/۰۳۰۶۳۹۶۸۱۲۴۴۶۵۶۴

Browning, A. (eds) (۲۰۰۰). *Theories Of Present. Halcli and Webster*. Sage

Bosliky H. (۲۰۱۶). Impact of driving law and Police behavior in ethical development. *Quarterly of Ethical Research*; ۲۴: ۲۱-۴۲ (In Persian)

Chernykh, Svitlana, (۲۰۱۴), When Do Political Parties Protest Election Results?, *Comparative Political Studies*, Vol. ۴۷(۱۰) ۱۳۵۹-۱۳۸۳

Cleveland, JOHN W. (۲۰۰۳), Does The New Middle Class Lead Today's Social Movements?, *Critical Sociology*, Volume ۲۹, Issue ۲ Also Available Online, Koninklijke Brill NV, Leiden

Crank P, Caldero MA. (۲۰۱۱). *Police ethics*. Translated by: Dargahi R. (۲۰۱۳). Tehran: Alamat Publication. (In Persian).



Del Bayle L, Louis J. (۲۰۰۶). Police et plitique: une approche sociologique. Translated by: Kosary V. (۲۰۱۴). Tehran: NAJA Researches & Studies Organization. (In Persian).

DeRay M, Sinyangwe S, Elize J, Packnett B. (۲۰۱۶). Police use of force policy analysis. USA: Campaign Zero Planning.

Fielding N. (۲۰۰۵). The police & social conflict. Translated by: **Usefi S.** (۲۰۱۱). Tehran: NAJA Researches & Studies Organization. (In Persian).

Jones M. (۲۰۱۲). Do ethical information is paradox? In: Goldman J. Espionage professional ethics. Translated by: Shahsavary M, Asgarkhani B, Saadat A. Tehran: Practical Research Center of Public Information & Security of Police. (In Persian).

Kelsey, Darren(۲۰۱۵), Defining The ‘Sick Society’:Discourses Of Class And Morality In British Rightwing Newspapers During The ۲۰۱۱ England Riots, Capital & Class, ۲۰۱۵, Vol. ۳۹(۲) ۲۴۳–۲۶۴, Sagepub.Co.Uk/Journalspermissions.Nav, DOI:۱۰,۱۱۷۷/۰۳.۹۸۱۶۸۱۵۵۸۳۳۹۳

Lishman F, Barry L, Savij S. (۲۰۰۷). Police work and it s vital challenges. Translated by: Shakery H. Tehran: Publication of NAJA Research & Study Organization. (In Persian).

Meese E, Ortmyer PG. (۲۰۰۴). Leadership, ethics and policing: challenges for the ۲۱stcentury. Translated by: Shakery **H.** (۲۰۰۶). Tehran: Publication of NAJA Researches & Studies Organization. (In Persian).

Morady, Farhang (۲۰۱۰), Who Rules Iran? The June ۲۰۰۹ Election And Political Turmoil, Capital & Class, ۳۵(۱) ۳۹–۶۱, Reprints And Permission: Sagepub.Co.Uk/ DOI: ۱۰,۱۱۷۷/۰۳.۹۸۱۶۸۱.۳۹۳۹۴.

Peterson, Abby & Wahlstro“M, **Mattias & Wennerhag, Magnus** (۲۰۱۵), **European Anti-Austerity Protests - Beyond “Old” And “New” Social Movements?**, Acta Sociologica, ۱–۱۸, Sagepub.Co.Uk/Journalspermissions.Nav DOI:۱۰,۱۱۷۷/۰۰.۱۶۹۹۳۱۵۶.۵۶۲۲

Salehi Amiri SR, Karimi Khozani A. (۲۰۰۷). Role of social ethics on public & social secure. Ethics in Science & Technology; ۱۱(۱): ۱۱-۱۸. (In Persian).

Schussman, Alan. soule.sarah Anne. (۲۰۰۵).Process and protest: Accounting for Individual protest participation. Social forces-Volume , No۲

The Week(۲۰۱۱), What Caused The London Riots? ۵ Theories, [Http://Theweek.Com/Article/Index/۲۱۸۱۲۵/What-Caused-The-London-Riots-۵-Theories](http://Theweek.Com/Article/Index/۲۱۸۱۲۵/What-Caused-The-London-Riots-۵-Theories)



Treadwell, James & Briggs, Daniel & Winlow, Simon & Hall, Steve (۲۰۱۳), Shopocalypse Now: Consumer Culture And The English Riots Of ۲۰۱۱, British Journal Of Criminology, (۲۰۱۳) ۵۳ (۱): ۱-۱۷

Turner, J.C. (۲۰۰۹). Tajfel, H., ed. "Towards a cognitive redefinition of the social group". Social identity and intergroup relations.

Vedington D, Jabard F, King M. (۲۰۰۹). Rioting in the UK and France: a comparative analysis. Translated by: Fatemi-Movahed H. (۲۰۱۶). Tehran: Amin Disciplinary Sciences University. (In Persian)

